

تبادل بلندمدت = بنگاه

- در بلندمدت هیچ عامل تولیدی ثابت نیست = بنابراین هزینه ثابت = صفر ندارد.  
 - در بلندمدت هزینه متغیر کل همان هزینه کل است = لذا هزینه متوسط متغیر و هزینه متوسط  
 یکی هستند.

- اگر قیمت تمام شده بازاری در بلندمدت = این است که تعداد بنگاه در صنعت = می تواند کم یا زیاد شود.

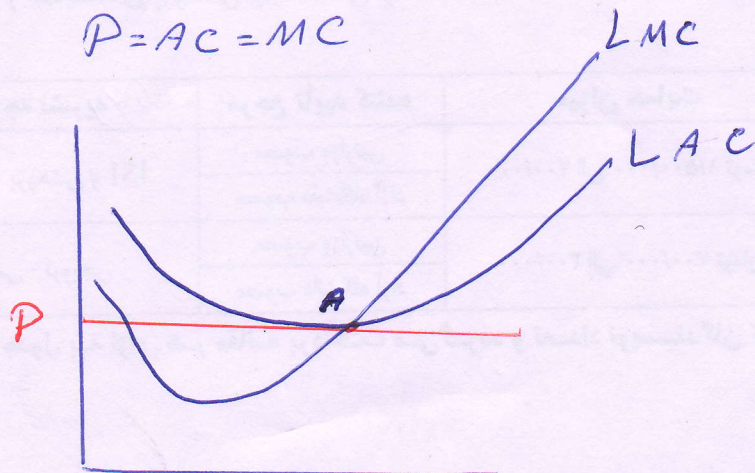
- اگر صنعت و بنگاه در مورد درآمدهای داشته باشند، تولید کننده در اثر افزایش قیمت می تواند که  
 وارد این بازار شود = بنابراین تعداد بنگاه در اقتصاد می تواند.

- اگر بنگاه در صنعت نزول داده باشند، بعضی از بنگاه که از آن خارج می شوند و لذا  
 تعداد بنگاه کاهش می یابد.

- قوانین تعداد بنگاه که به معنی افزایش عرضه کالا در بازار و در نتیجه کاهش قیمت است  
 - کاهش تعداد بنگاه که به معنی کاهش عرضه کالا در بازار و در نتیجه افزایش قیمت است.

نکته مهم: بنگاه می تواند در بلندمدت به فعالیت خود ادامه دهد و گفته که قیمت بازار برابر  
 حداقل هزینه متوسط است.

- شرط تبادل بلندمدت = هزینه در بازار برابر با کل

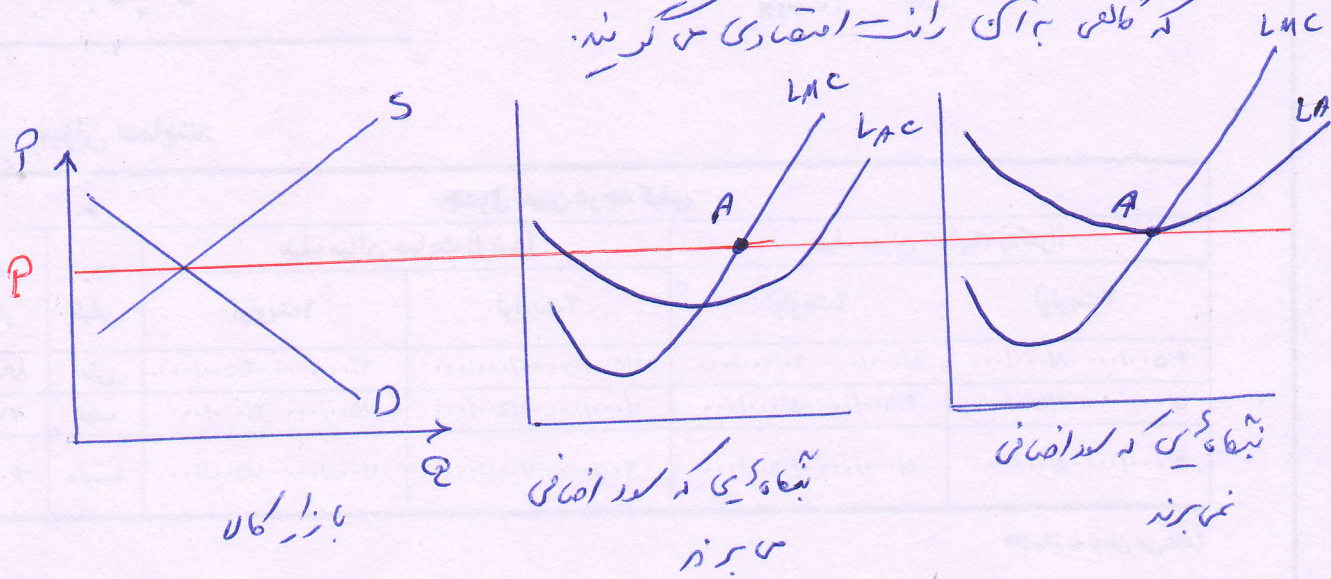


- در نقطه A تبادل بلندمدت بنگاه برقرار است = سود بلندمدت = (سود اضافی و سود غیر متغیر)  
 صفر است.



کمی است هم نگاه می که در یک صنعت حضور دارند، است به نبالند یعنی ساختار هزینه اگر  
 یک نگاه

نگاه می که قیمت به بازار بالاتر از LAC آن قرار داشته باشد که سود اضافی بهره مند می گانند  
 که گاهی به آن رانت اقتصادی می گویند.



اگر ننگاه وجود داشته باشد که در بلندمدت قیمت به بازار همین ترک حتمی LAC از کار برد  
 این نگاه زیاده برده و از بازار خارج خواهد شد.

**مسئله:** در یک صنعت رقابت کامل، تعدادی نگاه است به به نوبت کل  $TC = \frac{1}{3}Q^3 - 2Q^2 + 18Q$

در بلندمدت حضور دارند. تک نفر کل بازار  $Q = 10800 - 200P$

الف) قیمت به بازار در بلندمدت = چند است P

ب) چند نگاه در این صنعت حضور دارند P

ج) اگر تک نفر کوایتر  $P = 50$  و  $Q = 11750 - 200P$  به قیمت به بازار به  $6450$

- دو نگاه در بلندمدت = چند خواهد کرد

- در بلندمدت چه انتظاتی بر صنعت رخ خواهد داد P



قیمت بازار در بلندمدت برابر بیشترین هزینه متغیر است که نگاه کوتاه مدت دارد.

$$LAC = \frac{1}{3}Q^2 - 2Q + 8 \quad \text{اینج}$$

$$\frac{dLAC}{dQ} = \frac{2}{3}Q - 2 = 0 \Rightarrow Q = 3$$

$$P = \text{Min } LAC = \frac{1}{3}(3)^2 - 2(3) + 8 = 5$$

۱. به تکلیف  $P=5$ ، مقدار تولید بازار برابر است.

$$Q = 10000 - 200(5) = 9000$$

$$n = \frac{9000}{3} = 3000 \quad \text{تعداد نگاه}$$

۲. در کوتاه مدت  $P=MC$  است.

$$MC = Q^2 - 4Q + 8 = 6,25 = 7Q = 3,5$$

تعداد نگاه بازار خواهد بود که در هر دوره سودی حاصل نشود.  $MC$  در مقدار  $3,5$  قیمت

$$LAC|_{Q=3,5} = \frac{1}{3}(3,5)^2 - 2(3,5) + 8 = 5,08 \quad \text{برای}$$

$$\text{سود کوتاه} = 6,25 - 5,08 = 1,17$$

$$\text{کل سود} = 3,5 \times 1,17 = 4,095$$

۳. در بلندمدت تعداد نگاه که در هر دوره سودی حاصل نشود برابر است با  $AC$  در  $3,5$  (یعنی  $5$ )

بنا بر این قیمت که در بلندمدت وجود دارد و مقدار تولیدی که در آن سودی حاصل نمی‌شود

$$Q = 11750 - 200(5) = 10750$$

$$n = \frac{10750}{3} \approx 3583$$

۳۵۸۳ نگاه جدید وارد بازار می‌شود